

دو چرخه‌سواری برای آزادی

■ آسوشیتدپرس: «رونالدو داسیلوا» هر روز مسافت زیادی را پدال می‌زند بدون آنکه دوچرخه‌اش حتی یک متر هم جابه‌جا شود. او به دلیل سرقت مسلحانه از یک شیرینی‌فروشی باید بیشتر از پنج سال در یکی از زندان‌های برزیل آب خنک بخورد و حالا تنها کاری که می‌تواند در زندان انجام دهد فشار دادن پدال‌های دوچرخه ثابت است. هر چند همین دوچرخه زدن او را به آزادی نزدیک‌تر کرده. سیلوا بخشی از برنامه جدید زندان ایالت میناس گرایس برزیل است که براساس آن زندانیان می‌توانند در ازای انجام دادن یک کار ویژه از دوران حبس‌شان کم کنند. آنها باید انقدر روی دوچرخه ثابت پا بزنند تا نیروی لازم برای تامین روشنایی شب‌های این ایالت تامین شود. آنها با هر پدالی که می‌زنند باطری‌ای را شارژ می‌کنند که برق ۱۰ خیابان را تامین خواهد کرد. سیلوا و سایر زندانیان در ازای هر سه روز دوچرخه‌سواری هشت‌ساعته یک‌روز به آزادی نزدیک خواهند شد. این برنامه یکی از برنامه‌های انجام‌شده در برزیل برای خلوت کردن زندان‌های این کشور است و براساس آن زندانیان با کارهای مختلفی که انجام می‌دهند – مثل کتاب خواندن یا سوادآموزی به دیگران – هم دوران محکومیت‌شان را کمتر خواهند کرد. هم اینکه شاید به خوششان بیایند و دیگر سرراغ خلاف نزنند. برنامه‌های دولت برزیل البته مخالفاتی هم داشته که عقیده دارند مقامات زندان‌ها با این کارشان بیش از حد لی لی به لالای زندانبانان می‌گذارند هرچند طراحان این برنامه می‌گویند از این طریق می‌توانند میزان خشونت در زندان‌های برزیل را کمتر از قبل کنند. سیلوا ۸ساله می‌گوید: «پیش از این به جز دو ساعتی که برای آفتاب‌خوری بیرون می‌رفتم بقیه ساعات در سلول‌مان محبوس بودیم اما حالا هم می‌توانیم از هوای تازه استفاده و در کنارش بری شهر را تولید کنیم تا دوران محکومیت‌مان کمتر شود.» سیلوا تا امروز توانسته ۲۰۰ روز از مدت حبس‌اش کم کند و البته به شکل محسوسی هم سایز کم



کرده و او سایر زندانیان هر روز از ساعت ۹ صبح تا بعدازظهر دوچرخه می‌زنند و البته بین آن زمان ناهار و استراحت هم دارند. زندان آنها در شهر ریتا دو سایوکاری واقع شده که دو ساعت با ساوپائولو فاصله دارد و هوایش بهتر از سایر نقاط برزیل است. ایده این برنامه جالب – که تازه دو ماه از اجرایی شدنش می‌گذرد – متعلق به خوزه هنریکه مالمان قاضی شهر است که بعد از خواندن داستانی درباره باشگاهی در آمریکا که از طریق تمرینات دوچرخه‌سواری برق شهر را تامین می‌کند، به فکر پیاده کردن آن در زندان شهر شد.

بازی دو سر برد

پلیس شهر با کمک مهندسان محلی چهار دوچرخه زندان را تبدیل به تولیدکننده انرژی کرد و با وصل کردن باتری ماشین به آنها و ایجاد تغییراتی در دوچرخه‌ها از آنها برق ۱۱۰ ولت می‌گیرد تا خیابان‌های کنار رودخانه شهر را روشن کند. هر روز و قبل از غروب آفتاب، ماموری باتری‌های شارژشده را از زندان – که بیرون شهر قرار دارد – به منطقه تفریحی می‌برد تا با وصل کردن آنها به دستگاه مبدل نیروی برق، خیابان‌ها را نورانی کند. اول صبح هم مامور دیگری باتری‌ها را به زندان برمی‌گرداند تا دوباره شارژ شوند. با توجه به اینکه ۱۳۳ زندانی میهمان زندان شهر هستند قرار است به‌زودی دوچرخه‌های بیشتری به زندان برده شود تا برق ۳۳ خیابان منتهی به رودخانه شهر تامین شود. گلیسون رافائل سیوارئیس زندان می‌گوید: «این بازی دو سر برد است. افرادی که جامعه‌طردشان کرده با این کارشان می‌توانند به جامعه خدمت کنند و نه تنها از دوران محکومیت‌شان کمتر می‌شود بلکه طرز نگه‌اشان به زندگی هم عوض خواهد شد.» به گفته سیلوا مجموعه او اولین زندان برزیل است که چنین برنامه‌ای در آن اجرا می‌شود و انقدر این برنامه خوب بوده که زندان‌های دیگر برزیل هم خواهان آن شده‌اند.

آزادی از طریق مطالعه

دوچرخه‌سواری تنها راه زندانیان برزیلی برای زودتر آزاد شدن نیست و در چهار زندان فدرال این کشور که خطرناک‌ترین مجرم‌ها در آن محبوس هستند ۴۰۰ زندانی از برنامه‌هایی نظیر مطالعه استفاده می‌کنند که براساس آن به اندازه خواندن تعداد معینی کتاب زودتر به روز آزادی نزدیک خواهند شد. آنها برای اینکه از زیر کار در نروند باید خلاصه‌ای از کتاب را به صورت کتبی برای قاضی بنویسند تا او به آنها نمره دهد. با این کار سرانه مطالعه برزیلی‌ها هم بالا خواهد رفت. پیش از این هر برزیلی به طور متوسط دو کتاب در طول سال می‌خواند و با اینکه برای سوادی در این کشور به مراتب کمتر از قبل شده اما هنوز ۱۰ درصد افراد بالای ۱۵ سال برزیلی سواد خواندن و نوشتن ندارند. از دیگر برنامه‌هایی که زندان‌های فدرال برای خلوت‌تر شدن‌شان انجام می‌دهند فرستادن زندانیان به کلاس‌هایی است که تحصیلات آنها را به حد دانشگاهی می‌رساند.

زندگی کودکان فقیر هندی را عوض کرده

بچه‌های آسمان

ترجمه: **رامین طبرسی**

لس آنجلس تایمز: موهان سردار ۱۴ساله با خانواده‌اش در جای بسیار بدی زندگی می‌کند.خانه آنها انقدر کوچک‌است که تخت مشترک اهالی خانه به زور در آن، جا شده. کسی هم جرات باز کردن پنجره‌ها را ندارد چون خانه کنار باتاقی‌است که تبدیل به نمایشگاه دائمی ضایعات و اشغال شده‌است.وقتی موهان کلاس پنجم بود مجبور شد قید ادامه تحصیل را بزند چراکه والدینش از پس هزینه‌های مدرسه او برنمی‌آمدند. به دلیل همین نداری است که او مجبور است مسیر دومایلی تا باشگاه گلف کلکته را پیاده برود. این باشگاه که در سال ۱۸۲۹ توسط انگلیسی‌ها راه افتاده اصلا به گروه خونی موهان نمی‌خورد چراکه قیمت بعضی از غذاهای این باشگاه اندازه حقوق والدین اوست. با این همه حضور او در زمین گلف داستان جالبی دارد. روزی یک گلفباز از موهان کند درخواست می‌کند که ساک ورزشی‌اش را حمل کند و در ازای آن ۱۵دلار به او می‌دهد. موهان هم بیشتر دستمزدش را به مادرش می‌دهد و خانواده سردار با خوردن ماهی به عنوان شام شبی رویایی سپری می‌کنند.رفت و آمدهای موهان به باشگاه گلف باعث شده تا او با این ورزش آشنا شود و هر از گاهی برای دل خودش بازی کند. ورزشی که ویژه خواص هندی و آن تازه به دوران رسیده‌هایی است که حتی در ورزش هم دنبال چشم و هم‌چشمی هستند.حالا موهان توانسته در بین پنج گلفباز بر تر جوان هند قرار بگیرد. در شرایطی که بیشتر از سه‌میلیون موسسه خیریه در هند فعال است کمتر کسی می‌تواند خودش را قانع کند که گلف جزو اولویت‌های ففرا باشد اما اینداراجیت بهالوینا طور دیگری به قضیه نگاه می‌کند. این گلفباز ۴۰ساله که در یک خانواده ثروتمند به دنیا آمده بود از چهارسالگی گلف را شروع کرد و در سال ۱۹۹۰ تبدیل

به بهترین گلفباز کشورش شد. او مدت‌هاست که مسوول یک آکادمی گلف شده و به بچه پولدارها این ورزش را یاد می‌دهد. او که در سال ۱۹۹۸ دچار افت فاضلی شده بود برای بازگشت به اوج نذر و نیاز کرد و ۱۰درصد از پاداش قهرمانی‌اش را به خیریه داد اما بعد از مدتی به این نتیجه رسید که این کار را سایرین هم انجام می‌دهند بنابراین تصمیم گرفت در باشگاهش از بچه‌های بی‌ بضاعت به‌عنوان حمل‌کننده تجهیزات گلفبازها استفاده کند و در کنارش این ورزش را به آنها یاد دهد تا از بین آنها بچه‌های مستعد را پیدا کند. او تا امروز مربی بیش از ۲۰ بچه بوده و می‌خواهد کارش را توسعه دهد. خوشبختانه او دوستان ثروتمند خیری داشته‌که حاضر شدند هزینه تجهیزات و مسافرت این بچه‌های مستعد را تامین کنند تا آنها در مسابقات زیر ۱۵ سال شرکت کنند. آن‌طور که بهالوینا می‌گوید بعضی از این بچه‌ها می‌توانند در آینده برای خودشان تایگر وودزی شوند.ادعای او چندان هم بی‌ربط نیست چراکه یکی از این پسرها توانسته مجوز حضور در مسابقات جهانی سن دیه‌گو را کسب کند. بهالوینا جدا از آنکه به بچه‌ها یاد می‌دهد خرج مدرسه آنها را هم تقبل کرده و حالا موهان بعد از سه سال دوباره رنگ کلاس و معلم را می‌بیند. البته برای آنکه بچه‌ها خیلی خوش‌خوش‌شان نشود باید بخش کوچکی از هزینه‌هایشان را تقبل کنند تا ارزش این برنامه کمکی را به خوبی درک کنند. بهالوینا خیلی روی موفقیت این بچه‌ها حساب باز کرده چون می‌داند آنها برای فرار از زندگی فقیرانه‌ای که دارند از جان‌شان مایه گذاشته‌اند. آکادمی بهالوینا به دلیل کارهای خیرخواهانه‌اش اعتبار خوبی بین هندی‌ها پیدا کرده هرچند او دوست ندارد با مدرز تازمقایسه‌کند. البته بعضی از هندی‌ها زیاد موافق کارهای بهالوینا نیستند. یکی از آنها گیتا

راهکاری جدید برای گرفتن اقامت برزیل

ازدواج دروغین

ورلدکراچ: رافائل و ماریانا گذشت زمان را اصلا احساس نمی‌کنند چراکه روز ازدواج آنها نزدیک شده است. تقریبا تمام کارها انجام شده و دوستان عروس و داماد می‌گویند که آنها جان‌شان را برای همدیگر می‌دهند اما ظاهر قضیه که این‌طور نیست. رافائل خیلی نگران ازدواج است و دوست دارد هر چه زودتر این مرحله را پشت سر گذارد. مراسم در نهایت سادگی برگزار خواهد شد و بعد از امضای مدارک مربوطه دو طرف همدیگر را در آغوش خواهند گرفت تا از یکدیگر خداحافظی کنند! اشتباه نکنید و به گیرنده‌هایتان دست نزنید. داستان کاملا واقعی است و اینس دو نفر به محض ازدواج با یکدیگر از هم جدا می‌شوند تا هر کس سراغ زندگی خودش برود. ماریانا ۳۶ساله یک خدمتکار برزیلی است و رافائل ۳۱ساله از اسپانیا به برزیل آمده تا درسش را ادامه دهد و منتظر ویزای دائمی‌اش است. ازدواج این دو نفر یکی از اتفاقاتی است که نظیرش این

اكونوميک آبرزور: من یکبار بال کوسه خوردم. بعد از ازدواج پدر همسرم جشنی برای ما برگزار کرد و روی میز شام برای هر نفر یک ظرف بال کوسه گذاشته شده بود. من و همسرم از خانواده‌های معمولی آمده‌ایم و هیچ کدام پیش از این سابقه خوردن بال کوسه را نداشتیم. یکبار که با پدرم در مورد این قضیه صحبت کردم با حالت عجیبی گفت: «مگر می‌شود بال کوسه بد هم باشد؟» خوردن بال کوسه به همان اندازه برای چینی‌ها اهمیت دارد که داشتن جواهر برایشان مهم است و اصلا یکی از نشانه‌های پولدار بودن در چین، داشتن چنین غذایی سر میز است. این موضوع در هنگ‌کنگ هم دیده می‌شود به طوری‌که در یکی از فیلم‌های این کشور دیالوگی وجود دارد که یک فرد فقیر می‌گوید: «وقتی روزی رئیس شدم حتما بال کوسه خواهم خورد.» در فیلم‌های دیگر هم می‌توان اثر بال کوسه را دید. آنجایی که در فیلم میهمانی چینی می‌گویند تمام آدم‌های موفق عاشق خوردن بال کوسه هستند. حتی در افسانه‌ها و داستان‌های چینی هم بال کوسه حضور فعالی دارد و در کتاب‌های قدیمی جدا از آنکه این خوراکی لذیذ به آدم‌های موفق و خوش‌غذا نسبت داده شده، نگذاشتن آن سر میز هم نوعی توهین به میهمان قلمداد شده است. جالب اینکه بال کوسه به تنهایی هیچ مزه ویژه‌ای ندارد و حتما باید به آن مواد را اضافه کرد تا راحت از گلو پایین برود. نمی‌توان گفت طعم بال کوسه با سایر غذاهای دریایی تفاوت آنچنانی ندارد منتها از نظر غذاشناسان چینی اعتبار و اصالت این غذا

دنیا گردی



عکس: آس آنجلس تایمز

خرب است که پسرش گلفبازی می‌کند. او می‌گوید: «به‌جای آموزش گلف به یک نفر می‌توان به هزاران بچه غذا داد ضمن آنکه در باشگاه گلف، در مصرف آب خیلی اسراف می‌شود.» برای بچه‌هایی که از برکت بهالوینا فرصت گلفبازی پیدا کرده‌اند بهتر کردن بازی‌شان به مراتب راحت‌تر از، از بین بردن فاصله اجتماعی بین خودشان و اعضای ثروتمند باشگاه است؛ نگرانی که البته با این بچه‌ها از در دوستی وارد شده‌اند و به آنها اجازه می‌دهند در ساعات معینی از زمین استفاده کنند. گلف طرفداران چندان زیادی در هند ندارد و تنها ۲۰۰ زمین گلف در این کشور وجود دارد. این در حالی است که تنها کالیفرنیا ۱۱۴۰ زمین گلف به ورزشکاران سروسپس می‌دهد. ویوک مهتا یکی از مسوولان اتحادیه گلف هند دلیل استقبال نه چندان زیاد از این رشته را توضیح می‌دهد: «خیلی از باشگاه‌های گلف مثل قصر می‌ماند و مردم عادی می‌ترسند که وارد آن شوند. آنهایی هم که وارد این رشته شدند پول زیادی دارند که نمی‌دانند چگونه آن را خرج کنند.» بیرون باشگاه گلف رویال کلکته ماناهور پورکیت ۶ساله زندگی‌اش را از فروش شکلات و سیگار می‌چرخاند. البته این شغل دوم اوست و شغل اصلی‌اش کار در باشگاه است: «بیرون باشگاه من احساس آزادی نمی‌کنم چون آنجا اصلا نمی‌توانم حرف بزنم.» بهالوینا برای آنکه بچه‌ها پیش افراد ثروتمند احساس حرارت نکنند به آنها طرز خوب برخورد کردن و رسیدن به ظاهرشان را یاد داده. موهان می‌گوید: «ایندارجیت به‌معن یاد داد که چگونه از قاشق و چنگال استفاده کنم هر چند زیاد این قضیه راحت نیست.» موهان هم مثل خیلی از هندی‌ها غذا خوردن با دست‌اش را به استفاده از قاشق و چنگال ترجیح می‌دهد. بعضی از اعضای باشگاه چشم دیدن بچه‌ها را ندارند



فرصت‌ها شده و آمار بیکاری در این کشور نصف آمار اتحادیه اروپا است. ازدواج البته تنها راه گول زدن دولت برزیل است و اگر مهاجران بتوانند ثابت کنند که در این کشور، درگیر رابطه طولانی‌مدت و عمیقی شده‌اند آن‌وقت ویزای دائم برایشان صادر می‌شود. دقیقا مثل اتفاقی که برای روبرتوی ۳۴ساله افتاده است. این مهاجر اسپانیایی که متوجه سختی گرفتن ویزای کار

داستان خوراک بال کوسه در چین

خطرناکی است و با اینکه تجهیزات جدید ماهیگیری کار صیادان را راحت‌تر کرده اما هر کسی سراغ صید کوسه نمی‌رود. نکته دیگر اینکه آمده کردن بال کوسه برای طبخ هم نیاز به گذراندن مراحل مختلفی دارد.



برای نجات حیوان تان به آتش‌نشانی زنگ ن‌زدید

■ تلگراف: برای آتش‌نشانان نجات دادن گربه‌ای که بالای درخت گرفتار شده به اندازه خاموش کردن آتش یک ساختمان اهمیت زیادی دارد. آنها طی این سال‌ها عادت کرده‌اند که حیوانات مختلف را از وضعیتی که در آن گرفتار شده‌اند، نجات دهند اما حالا که حجم تماس‌های مردم به آتش‌نشانی برای نجات دادن حیوانات‌شان بسیار زیاد شده، اداره آتش‌نشانی لندن به مردم توصیه کرده که قبل از تماس با ۹۹۹ به راه‌حل‌های دیگری فکر کنند و بعد سراغ آتش‌نشانی بروند. طی شش سال گذشته اداره آتش‌نشانی لندن به طور متوسط هر ۱۴ ساعت یکبار تماسی داشته که سوزش‌اش کمک به حیوان بوده است. در بین این تماس‌ها موارد جالبی هم وجود داشته: از شامپانزه‌ای که در دودکش برج هملتس گیر کرده بود تا بچه‌گربه‌ای که نمی‌توانست از طبلی که در آن گیر کرده، خارج شود. اما حالا که مشکلات اقتصادی تمام سروسپس‌های خدمات اجتماعی را تحت‌تاثیر قرار داده، اداره آتش‌نشانی لندن به مردم توصیه کرده که در صورت نیاز به کمک برای حیوانات‌شان اول با موسسه حمایت از حیوانات تماس بگیرند و بعد سراغ جاهای دیگر بروند. رن دایسون یکی از مسوولان اداره آتش‌شانی می‌گوید: دیگر زمانش رسیده که متوجه وظیفه اصلی آتش‌نشانان شویم و بدانیم که کار آنها نجات گربه نیست بلکه مردان من برای موقعیت‌های اورژانسی تمرین دیده‌اند. اگر حیوانی گرفتار شده، نباید با ما تماس بگیرید و بهتر است سراغ سازمان‌های مربوطه بروید. صاحبان حیوانات باید بیشتر حیوانات‌شان را کنترل کنند



تا آنها به مشکل برخوردند. مشکل اینجاست که وقتی آتش‌نشانان در گیر ماموریت‌هایی مثل نجات حیوانات می‌شوند، دیگر نمی‌توانند به ماموریت‌های مهم‌تر برسند. نجات دادن هر حیوانی هزینه‌بر است و در این شرایط مالی برای بسیاری از مردم سوال شده که چرا بخشی از مالیات‌شان صرف نجات حیوانات شده است. کلیر کنت از موسسه حمایت از حیوانات به مردم توصیه می‌کند که حتما در شرایط اورژانسی به آنها زودتر از بقیه خبر دهند چراکه این موسسه بهترین تصمیم ممکن را خواهد گرفت و اگر نیاز باشد آتش‌نشانی را هم خبر می‌کند. او البته به این نکته هم اشاره می‌کند که در صورت گرفتار شدن حیوان تان نباید خیلی زود دست‌پاچه شوید: «اگر گربه‌تان بالای درخت گیرافتاده به شما توصیه می‌کنیم که ۲۴ ساعت صبر کنید و بعد با ما تماس بگیرید چون آنها می‌توانند گلیم خودشان را از آب بیرون بکشند.» در حال حاضر نیمی از تماس‌هایی که با آتش‌نشانی برای نجات حیوانات گرفته می‌شود، مربوط به گربه‌هاست و بعد از آن سگ‌هایان‌زند کمک آتش‌نشان‌ها هستند.

طبخ غذا در ماشین ظرفشویی

■ **لوموند:** درست کردن غذا در ماشین ظرفشویی؟ پیشنهاد جالبی به نظر می‌رسد اما وقتی پای فرانسوی‌ها و دست‌پختشان وسط باشد حتما این کار ارزش امتحان کردن را دارد. یکی از کارشناسان غذایی فرانسه به تازگی برای پخت گوشت و ماهی روش جالبی را پیشنهاد کرده و گفته گوشت یا ماهی را در یک کیف ضد آب ببندازد و آن را داخل ماشین ظرفشویی قرار دهد و درجه را روی ۶۰ تنظیم کنید. بعد از ۴۵دقیقه غذایتان آماده است. به گفته این شخص، می‌توان مخلفات را هم در یک کیف ضد آب دیگر گذاشت تا آن هم به خوبی پخته شود. با اینکه در نگاه اول ایده احمقانه به نظر می‌رسد اما طی ۱۰سال گذشته آشپزی با درجه حرارت کم تبدیل به روش پرطرفداری در فرانسه شده. هر چند که آشپزهای معروف فرانسوی غذایشان را در ماشین ظرفشویی نمی‌اندازند اما آن را داخل فر می‌اندازند یا آب یز- در حرارت زیر صد درجه – می‌کنند تا به‌این صورت غذا تازگی‌اش را از دست ندهد و خشک نشود. این درحالی است که کارشناسان غذایی عقیده دارند برای از بین بردن باکتری‌های موجود در هر غذا باید آن را با دمایی بالاتر از ۶۰ درجه پخت کرد.

خرید ماری‌جوانا با کارت اعتباری امکان‌پذیر نیست

■ **ان‌بی‌سی:** کارت‌های اعتباری دیگر در داروخانه‌هایی که ماری‌جوانا به مشتریان می‌فروشند اعتباری نخواهد داشت. این تصمیم جدید دولت آمریکا و وزارت خزانه‌داری‌اش است که به شرکت‌های کارت اعتباری اخطار داده که نباید از کارت‌هایشان برای خرید داروی ماری‌جوانا استفاده کنند و اگر مشتریان آنها چنین کاری انجام دهند آن‌وقت جدا از جریمه سنگینی که در انتظارشان است باید بی‌خیال ادامه رابطه‌شان با کمپانی‌های ویزا و مستر کارت شوند. از این به بعد در داروخانه‌ها تنها از پول نقد برای خرید ماری‌جوانای دارویی استفاده خواهد شد.